

## مهدی فتحی بازیگر پیش کسوت سینما، تئاتر و تلویزیون درگذشت

نبرد خلق درگذشت زنده یاد مهدی فتحی را به خانواده او و جامعه هنری ایران تسلیت می گوید.

مهدی فتحی پس از گذراندن یک دوره طولانی و سخت بیماری و پس از ۹ روز کما در ۶۴ سالگی در بیمارستان شهدای تجریش بستری بود، جمعه شب ۲۹ اسفند ۱۳۸۲ درگذشت.

چندماه پیش که در صفحه اول روزنامه ای در ایران عکسی از مهدی فتحی در تخت بیمارستان چاپ شده بود، تازه همه خبردار شدند که این بازیگر محبوب مدتی است در بیمارستان بستری است. ولی بعد از گذشت چند روز از این خبر، صحبت درباره فتحی فروکش کرد.

وی روز ۱۵ آذر ماه ۱۳۸۲ به دلیل بیماری قلبی ابتدا در بیمارستان ایران مهر بستری شد. اما به دلیل وجود مشکلات مالی به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شد.

مردی که با درخشش بر صحنه تئاتر حتی با وقفه ای طولانی همیشه در یاد اهالی تئاتر بود، با وجود شهرت در بین مردم و پرکاری بسیار در سالهای اخیر، فقط به خاطر عدم حضور در جلوی دوربین در مدت اندکی فراموش شد.

مهدی فتحی متولد سال ۱۳۱۸ در تهران در سال ۱۳۳۷ با ورود به هنرکده آزاد هنرپیشگی آناهیتا به طور رسمی و حرفه ای کار تئاتر خود را آغاز کرد. از دیگر هنرآموزان آناهیتا، محمود دولت آبادی، جعفر والی، پرویز بهرام، مهین شهبانی، یدالله و ولی الله شیراندازی، توران مهرزاد، زنده یاد سعید سلطانیپور، کاظم هژیر آزاد و بیوک میرزائی بودند. او در کنار پیشکسوتانی چون علی نصیریان، عباس جوانمرد، عزت الله انتظامی، غلامحسین ساعدی و زنده یاد رضا ژبان و صمیمی مفخم به فعالیت پرداخته است.

او در تئاتر آناهیتا در نمایشهای اتللو، هیاهوی بسیار برای هیچ، طبقه ششم، روبهکها، صاحب مهمانخانه، تانیا و سلمانی شهرسویل به صحنه رفت و نیز در بیش از بیست تئاتر تلویزیونی در آن سالها حضور داشت.

مهدی فتحی از سال ۱۳۶۶ بازی در سینما را با فیلم «تخفه‌ها» شروع کرد و پس از آن در «کشتی آنجلیکا»، «دستمزد»، «کاکلی»، «دخترک کنار مرداب»، «در آرزوی ازدواج»، «مدرسه

در کار ترجمه نمایشنامه ها و کتابهای مربوطه که من انجام می دادم با علاقه همکاری می کرد و ویراستاری آنها را به عهده می گرفت. عمیقاً به روش علمی بازیگری اعتقاد داشت و تلاش می کرد تا آن را در بین بازیگران جوان اشاعه دهد.»

محمود دولت آبادی در مورد مهدی فتحی به رادیو بی بی سی می گوید: «من از طریق هنرکده آناهیتا با فتحی آشنا شدم. فتحی یک دوره از ما جلوتر بود. از همان ابتدای آشنائی مان من



سریال امام علی بود، آغاز شد.

مفتون خوی و رفتار او شدم که این آشنائی منجر به صمیمیت شد.

در سالهای خیلی دور من و مهدی فتحی هر روز پس از اینکه در اداره ای که فتحی در آن کار می کرد، غذایمان را می خوردیم، ساعتها درباره هنر صحبت می کردیم. و یک جمله مشترک داشتیم. اگر انسان هنر نداشته باشد چگونه می تواند زندگی می کند؟ پس از این که حدود دوماه پیش برای آخرین بار فتحی را در بستری بیماری دیدم، برایم حکم یک انسان گیاهی را داشت. و این جمله این بار به این صورت در ذهنم نقش بست. اگر انسان هنر داشته باشد چگونه می تواند زندگی کند؟»

بهزاد فراهانی درباره مهدی فتحی به رادیو بی بی سی می گوید: «مرحوم فتحی در آن سالها بازی در فیلم را نیز تجربه کرد، فیلم زن خون آشام به کارگردانی مصطفی اسکویی. تدریس به عنوان استاد فن بیان در هنرکده آناهیتا و دانشکده هنرهای دراماتیک در کارنامه او وجود دارد و می توان او را یکی از اساتید شاخص فن بیان تاریخ تئاتر ایران برشمرد.

فتحی با توجه به زمان فعالیتش در تئاتر، کارهای اجرایی نسبتاً زیادی در کارنامه هنری اش نداشت که این دلیل

بر وسواس و دقت نظر او در انتخاب کارها بود.

ولی بازی به یاد ماندنی او در صحنه، به خصوص نقش ساتین در نمایش در اعماق نوشته ماکسیم گورکی به کارگردانی مهین اسکویی در بین اهالی تئاتر و تئاتر روهای حرفه ای زبانزد است.

تلاش های او برای نشر کتابهای مهمی که در ارتقای بازیگری موثر بودند، بیاد ماندنی است.»

کاظم هژیر آزاد به رادیو بی بی سی می گوید: «در سال ۱۳۴۸ با او در هنرکده آناهیتا آشنا شدم. درباره فتحی اگر بگویم او در هیچ زمان خودش نبود، اغراق نکرده ام. همیشه در رویا زندگی می کرد و رویاها را برای خودش طبق وصایای استانیسلاوسکی، حقیقت می شمرد و چنان به آن دل می بست که گویا واقعیت محض هستند و درهمه حال از خود بیخود می شد و به هیجان می آمد.

هیجانی آگاهانه، و این جریان به هیجان آمدن را جزء سرشت شخص خود کرده بود او به عمد و طبق وصایای استانیسلاوسکی همواره در حال رویا بافی و

داستانسرای با خود بود. از خود می ساخت، از گذشته و حال کمک می گرفت و آنها را باهم ادغام می کرد و داستانی نو می ساخت. در خیابان، درخانه، درمجلس برایش توفیری نداشت. و همین خصلت چه بسا او را از دوستانش دور می کرد و گاه این تصور را ایجاد می کرد که نسبت به آنها بی تفاوت است. درحالی که اصلاً اینطور نبود.

بی شک این خاصیت زندگی گروهی بود که چنین شخصیت هائی را به عالم تئاتر عرضه کرده است.

بعضی را عقیده بر این است که او راه افسراط را در پیش گرفت و زندگی خصوصی اش را وقف هنر صحنه کرد و مانند گلی که درشوره زار می روید بی اینکه جلوه گری کند خشک شد.

خوشبختی او در این راه این بود که راهی را که یافته بود با سماجت می پیمود. تا آخرین لحظه عمر می خواست تجربه کند و چیزهای نو بیافریند. حیف و صد افسوس که دست اجل این مهلت را از او گرفت.»

پیکر زنده یاد مهدی فتحی روز دوشنبه سوم فروردین ۱۳۸۳ تشییع و به خاک سپرده خواهد شد.